رخداد

همسرکشی در خیابان

● **ایسنا:** دادستان عمومی و انقلاب ساوه گفت: مردی ۵۰ساله در ساوه به دلیل اختلافات خانوادگی با همسرش، وی را با ضربات چاقو از پای درآورد. حجت‌الله درودگر افزود: این حادثه صبح روز دوشنبه ۱۸ دی در خیابان مطهری شهرستان ساوه به وقوع پیوست و مردی که با همسرش درگیری لفظی پیدا کرده بود، با وارد کردن یک ضربه چاقو بر قلب این زن، او را در وسط خیابان به قتل رساند. وی بیان کرد: اختلاف خانوادگی این زن و شوهر ظاهرا از چندی قبل آغاز شده و مقتول با طرح شکایتی به اتهام ایجاد ضرب و جرح از سوی قاتل، وی را روانه زندان کرده بود اما بعد از مدتی به دلیل طی انجام تشریفات قانونی طلاق، با اعلام رضایت زن، قاتل از زندان آزاد شده بود تا همسرش را طلاق دهد. درودگر ادامه داد: ضارب پس از به قتل رساندن همسرش، اقدام به فرار کرد و تحقیقات ماموران برای دستگیری او همچنان ادامه دارد.

کیفرخواست علیه متهمان چهار قتل

● **مهر:** درگیری بر سر اختلافات ملکی با قتل چهار مرد و کشته شدن عامل اصلی جنایت پایان یافت و کیفرخواست علیه سایر متهمان صادر شد. صادق جعفری - رییس دادگاه عمومی بخش شاوور استان خوزستان - با اعلام این خبر اظهار کرد: شهریور امسال وقوع جنایتی در این شهر اطلاع داده شد و رسیدگی به آن در دستور کار قرار گرفت. در بررسی‌ها مشخص شد مردی به همراه دو پسرش در خانه خود با شلیک گلوله به قتل رسیده است. در جریان تحقیقات معلوم شد، متهمان پس از ارتکاب قتل به یکی از شهرهای استان خوزستان متواری و مخفی شده‌اند. جعفری گفت: با توجه به تحت تعقیب بودن متهم اصلی پرونده به دلیل سابقه شرکت در جرایم امنیتی، این پرونده به صورت ویژه مورد رسیدگی قرار گرفت. ۱۲ روز پس از این ماجرا، متهمان با درگیری در یکی از روستاهای آهودشت، یکی از اهالی روستا را با شلیک گلوله به قتل رساندند که متهم اصلی پرونده نیز در این درگیری مسلحانه کشته شد. ماموران سپس، سه نفر از متهمان را تحت تعقیب قرار دادند که در نهایت دستگیر و روانه زندان شدند. در بازجویی صورت گرفته از متهمان مشخص شد اختلافات ملکی علت اصلی این درگیری بود. وی افزود: با تکمیل تحقیقات کیفرخواست متهمان به اتهام معاونت در قتل صادر شده است.

قتل شوهر، پایان خیانت ۱۰ ساله

● زن جوان اقرار کرد برای قتل شوهرش دو مرد را اجیر کرده بود

شرق: ازدواج در نوجوانی، ترس، دوری از فرزند و اختلاف با شوهر زن جوان را به سمت خیانتی ۱۰ ساله برد که با قتل شوهرش پایان یافت. به گزارش خبرنگار ما، خبر قتل مردی ۳۷ ساله به نام کیوان در ۱۷ تیر دو سال قبل به ماموران اداره آگاهی داده شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد کیوان قربانی یک سرقت شده و تلفن همراه و عابر بانک و ساعتش به سرقت رفته‌است. در اولین گمانه‌زنی ماموران پرونده را به تصور اینکه کیوان به عنوان مسافر سوار بر ماشین شده تا به محل کارش برود و گرفتار چند سارق شده‌است، مورد بررسی قرار دادند اما تحقیقات بیشتر نشان داد مینا همسر کیوان از سال‌ها قبل با مردی به نام نیما رابطه دارد. بنابراین قتل بالانگیزه رقابت عشقی مورد بررسی ماموران قرار گرفت. فرضیه مطرح شده از سوی ماموران مینا را عامل اصلی این جنایت معرفی می‌کرد و با بررسی بیشتر روابط این زن، او بازداشت شد و اعتراف کرد با همدستی نیما دو آدمکش اجیر کرد تا شوهرش را بکشد. از طریق دو متهم بازداشت شده عاملان اصلی قتل که مهدی و احمد نام دارند شناسایی و دستگیر شدند. آنها به قتل اعتراف کردند و گفتند در قبال دریافت پول حاضر شدند این قتل را انجام دهند. پرونده با توجه به مدارک موجود و صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. چهار متهم روز گذشته در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران از خود دفاع کردند و در ابتدای جلسه محاکمه، کاکولی نماینده دادستان با توجه به مدارک موجود در پرونده و اقاریر صریح متهمان برای احمد و مهدی به اتهام مشارکت در قتل و مینا و نیما به اتهام معاونت در قتل درخواست صدور حکم قانونی کرد. در ادامه اولیای‌دم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهمان درخواست صدور حکم قصاص کردند. سپس به دستور قاضی تنها دختر مقتول در جایگاه حاضر شد تا در مورد رابطه پدر و مادرش صحبت کند. او گفت: نمی‌دانم دقیقا چه اتفاقی بین پدر و مادرم می‌افتاد چون آنها هیچ وقت در مورد مشکلاتشان با من صحبت نمی‌کردند اما بارها شاهد کتک‌کاری آنها بودم. چند روز قبل از حادثه هم پدرم، مادرم را کتک زد. بیشتر اوقات این درگیری‌ها در اتاقشان اتفاق می‌افتاد اما هیچ‌کدام در مورد اینکه از هم جدا شوند چیزی نمی‌گفتند. دختر نوجوان ادامه داد: من در جریان رابطه مادرم با نیما نبودم، البته می‌دانستم با کسی صحبت می‌کند و برای او هدیه می‌فرستد اما نمی‌دانستم این فرد کیست. من خودم هم با پدرم اختلافاتی داشتم اما بیشتر اختلاف سلیقه بود و ما مشکل خاصی باهم نداشتیم تا اینکه باخبر شدم پدرم کشته شده‌است و حالا هم درخواست صدور حکم قصاص برای عاملان قتل را دارم. در ادامه احمد در جایگاه حاضر شد. او گفت: اتهامم را قبول دارم، من و مهدی هر دو معتاد بودیم، هشت ماه قبل از حادثه بود که مهدی به من پیشنهاد قتل را داد و گفت مساله ناموسی است، بیا کار را تمام کنیم و پول، طلا و ماشین بگیریم، من هم قبول کردم. چند بار نقشه برای قتل عوض شد تا اینکه روز حادثه کیوان را به عنوان مسافر سوار کردیم، من روی صندلی عقب نشسته‌بودم و کیوان در صندلی جلو. طناب را از پشت دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم. قوی هیکل بود زورم به او نمی‌رسید، مهدی ترمز کرد و یکسر طناب را کشید، ما هر دو با هم طناب را کشیدیم و او کشته شد. احمد گفت از کرده‌اش پشیمان است و ادامه داد: اگر مینا نبود ما هرگز دست به این قتل نمی‌زدیم. او بود که ما را به این کار تحریک کرد. سپس مهدی متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد. او اتهامش را رد کرد و گفت: زمانی طناب را کشیدم که مقتول مرده بود. متهم گفت: چند سال قبل از حادثه بود که با مینا آشنا شدم، من در یک پیک‌موتوری کار می‌کردم و او گاهی برای نیما با پیک غذا یا هدیه می‌فرستاد. شماره‌ام را به او دادم تا بعد از این با خودم تماس بگیرد و به پیک خبر ندهد تا سود بیشتری ببرم. نیما موبایل فروش بود و کم‌کم با این مرد هم آشنا شدم. بعد از مدتی رابطه من با مینا قطع و تلفنم هم عوض شد. تا اینکه مینا دوباره با من تماس گرفت و متوجه شدم شماره‌ام را نیما به او داده‌است. من اصلا نمی‌دانستم مینا شوهر دارد. او گفت مردی مزاحمش می‌شود. پول خوبی برای قتل پیشنهاد داد و من هم قبول کردم. یک‌سالی طول کشید تا نقشه را اجرا کنیم. مینا به من گفت نقشه را چطور اجرا کنیم. اول گفت او را با چاقو بزنید و بعد هم گفت در خانه برادرش بکشیدش، بعد هم که قرار شد وارد خانه‌اش شویم که هیچ کدام از این نقشه‌ها عملی نشد تا نقشه آخر که قرار شد به صورت مسافر او را سوار ماشین کنیم، البته من اصلا نمی‌خواستم کیوان را بکشم. در لحظه آخر چون احمد زورش نرسید، یکطرف طناب را گرفتم و کشیدیم. در آن زمان کیوان مرده‌بود. مینا نیز اتهام معاونت در قتل را قبول کرد و گفت: ۱۵ ساله بودم که ازدواج کردم، از دوسال بعد از آن در حالی‌که دختر داشتم متوجه شدم کیوان مردی نیست که می‌خواستم، با این حال تحمل کرد. فکر می‌کردم حضور دخترمان می‌تواند ما را به هم نزدیک کند؛ اما اشتباه می‌کردم. کم‌کم اختلافات ما آنقدر شد که او من را کتک می‌زد. اما جرات جدا شدن از شوهرم را نداشتم. ۲۵ ساله بودم که با نیما آشنا شدم. او از آشنایان پدرم بود و به خانه وی رفت و آمد داشتم. نیما خیلی به من ابراز علاقه می‌کرد، البته قبل از ۲۵ سالگی هم نیما را می‌شناختم اما رابطه‌ام با او از آن موقع شروع شد. بار آخر به من گفت نمی‌تواند به این وضعیت ادامه دهد، گفتم از شوهرم جدا می‌شوم و او گفت کیوان دخترت را از تو می‌گیردو اجازه نمی‌دهد ما باهم باشیم. من وابستگی شدیدی به دخترم داشتم و اگر شوهرم او را از من می‌گرفت نمی‌توانستم به زندگی ادامه دهم به همین خاطر هم وقتی نیما پیشنهاد داد شوهرم را بکشیم قبول کردم. متهم گفت: به‌خاطر این اتفاق دیگر نتوانستم به رابطه‌ام با نیما ادامه دهم و از او هم بریدم. من از کاری که کردم پشیمان هستم. در ادامه نیما در جایگاه حاضر شد و در برابر اتهام معاونت در قتل از خود دفاع کرد. در پایان هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

تیراندازی در خیابان به خاطر ۴۰۰ هزار متر زمین

● یک نفر در این درگیری کشته و سه نفر با اصابت گلوله زخمی شدند

شرق: اختلاف سه مرد بر سر ۴۰۰هزار متر زمین به درگیری مسلحانه در خیابان و قتل یک نفر منجر شد. به گزارش خبرنگار ما وقوع درگیری در بلوار اصلی بومهن، روبه‌روی اداره آب ساعت ۱۳:۳۰ روز هفتم آذر از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، به کلانتری ۲۰۶ اعلام و با حضور ماموران مشخص شد در زمان نزاع دسته‌جمعی، سرنشین خودرو پژو۲۰۶ اقدام به تیراندازی کرده و چهار نفر از افراد شرکت‌کننده در نزاع دسته‌جمعی مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند. ماموران در همان محل درگیری ۱۶نفر را که در نزاع شرکت داشتند دستگیر کردند. در همین حین خبر رسید مرد ۳۵ ساله‌ای به نام مجید که از جمله زخمیان بود به علت اصابت گلوله به شریان حیاتی پا و خونریزی شدید ناشی از آن، قبل از رسیدن به مرکز درمانی جان باخته و سه مجروح دیگر نیز که از ناحیه شکم، بازو و کتف مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند، به اتاق عمل منتقل شده‌اند. به این ترتیب کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند و با تحقیق از ۱۶متهم که در زمان نزاع اقدام به استفاده از قمه، چاقو و... کرده بودند، فهمیدند آنها به‌دلیل طرفداری از دو نفر به اسامی «حمید» (۳۵ ساله) و «ساسان» (۶۰ ساله) که بر سر مالکیت ۴۰۰هزار متر زمین در منطقه پردیس و سیاه‌سنگ با یکدیگر اختلاف دارند، در قالب دو گروه با هم به زد و خورد پرداختند و در زمان درگیری، مقتول که طرفدار «حمید» بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت. کارآگاهان در ادامه هویت قاتل ۲۵ساله به نام فرشید را که زمان تیراندازی سوار خودرو پژو۲۰۶ بود شناسایی کردند. بنا بر اظهارات متهمان و همچنین شاهدان فرشید حین عبور از محل درگیری و اطلاع از موضوع توقف کرد و از آنجا که او نیز با حمید و ساسان بر سر مالکیت این اراضی اختلاف داشت، ناگهان مقتول با مشاهده وی به سمت او رفت و در حالی‌که وی در ماشین نشسته بود، چاقویی را در زیر گلوی او قرار داد و لحظاتی بعد تعداد دیگری از شرکت‌کنندگان نزاع، به سمت خودرو پژو۲۰۶ رفتند و شیشه‌های آن را شکستند. در این زمان، فرشید با استفاده از سلاح کمری اقدام به تیراندازی به سمت مقتول و سایر افراد کرد و فراری شد. افسران جنایی چهار روز بعد از وقوع درگیری خونین «حمید» و «ساسان» را دستگیر کردند و فهمیدند این دو نفر، با وجود آنکه نقش اصلی را در ایجاد درگیری داشتند، خودشان در صحنه نزاع حضور نداشتند. در ادامه رسیدگی به این پرونده و در شرایطی که فرشید پس از ارتکاب جنایت از محل زندگی خود در منطقه سیاه‌سنگ متواری شده بود، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند وی پس از اطلاع از مرگ مقتول به دیگر شهرهای کشور به ویژه در مناطق غرب و شمال غرب کشور متواری شده و در حال حاضر بلامکان است. آنها همچنین مطلع شدند متهم قصد دارد از طریق مرزهای غربی از کشور خارج شود به همین دلیل اقدامات لازم را برای ممانعت از خروج وی انجام دادند و سرانجام ساعت ۱۱شب دو روز قبل وقتی متهم برای تهیه پول به تهران آمده بود، وی را در مخفیگاهش در منطقه تهران نو دستگیر و در بازرسی از وی سلاح کمری استفاده شده در صحنه جنایت را کشف کردند. «فرشید» پس از انتقال به پلیس آگاهی به تیراندازی منجر به قتل اقرار کرد و در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «روز حادثه سوار بر خودروام در حال عبور از خیابان اصلی بودم که مقابل اداره آب بومهن متوجه درگیری شدم. لحظه‌ای توقف کردم تا علت را جویا شوم که متوجه شدم، درگیری میان دو گروهی است که هر کدام به طرفداری از حمید و ساسان با یکدیگر درگیر شده‌اند، من نیز با آنها بر سر مالکیت اراضی اختلاف داشتم. ناگهان در حالی‌که هنوز پشت فرمان ماشین نشسته بودم، مقتول به من نزدیک شد و قمه خود را در زیر گلویم گذاشت. برای آنکه او را بترسانم و به عقب برانم، اسلحه را از زیر صندلی راننده بیرون آوردم و او را تهدید به تیراندازی کردم اما او با مشاهده اسلحه و تصور اینکه هفت‌تیر اسباب‌بازی است، مرا مسخره کرد و گفت «می‌خواهی مرا از اسلحه اسباب‌بازی بترسانی؟» در همین زمان، چند نفر دیگر که متوجه حضور من در محل شده بودند و از اختلافاتم با حمید و ساسان بر سر همان اراضی اطلاع داشتند، به سمت ماشین آمدند و شروع به شکستن شیشه‌های آن کردند؛ در آن موقع تصمیم به تیراندازی گرفتم و پس از تمام شدن گلوله‌ها، به سرعت از محل متواری شدم.

عکس: شرق

متهم درخصوص نحوه تهیه سلاح نیز به کارآگاهان گفت: «حدود دوسال پیش، در سفری که به غرب کشور داشتم این سلاح را خریدم و طی این مدت به علت آنکه حتی یک‌بار هم با آن تیراندازی نکرده بودم، نمی‌دانستم این سلاح بر خلاف سایر اسلحه‌های کمری که فقط به صورت تک تیر تیراندازی می‌کند ـ قابلیت شلیک در حالت رگبار را نیز دارد.» سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: «با توجه به اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، دستور بازداشت موقت از سوی مقام قضایی صادر شده و متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.»

نگاه

انتخاب هیجانی و همسرکشی

مریم رامشت . روان‌شناس و استاد دانشگاه

● یکی از مهم‌ترین عوامل ازدواج موفق، انتخاب درست است. در دنیای امروز که افراد با روش‌های مختلف و به‌راحتی می‌توانند با هم آشنا شوند، اگر ابزارهای انتخاب درست نداشته باشیم، به خصوص در بحث ازدواج، ممکن است دچار مشکل شویم. اینکه ما چه ملاک‌هایی را برای آشنایی مدنظر قرار بدهیم بسیار اهمیت دارد. متاسفانه در حال حاضر آشنایی‌های موقت و آشنایی‌هایی را که از طریق سایت‌های اینترنتی اتفاق می‌افتد، خیلی زیاد می‌بینیم و بسیاری از این آشنایی‌ها مانند آشنایی خیابانی است که در آن افراد تابع هیجان‌ها و احساساتی هستند که به صورت ناگهانی بر آنها قالب می‌شود و بیشتر ظاهر فرد و هیجان و احساسی که در آن لحظه دست می‌دهد ملاک انتخاب قرار می‌گیرد. این در حالی است که ملاک‌های دیگری مانند تفکر، فرهنگ، خانواده‌ها، اعتقادات، آستانه تحمل و تاب‌آوری در برابر مسایل باید معیار ازدواج باشد. با این مقدمه به پرونده قتل زنی ۱۸ ساله به دست شوهرش بعد از ۷۵ روز زندگی مشترک -که خبر آن را دیروز خواندیم - نگاهی می‌اندازیم. ازدواج این زوج اصطلاحا ازدواجی هیجانی بود و هر دو طرف فقط بر اساس هیجانات و احساساتشان طرف مقابل را انتخاب کردند. متاسفانه مدت آشنایی هم در این ازدواج کوتاه بود. در حالی‌که در ازدواج سالم طرفین باید با اجازه خانواده و براساس فرهنگ‌هایی که وجود دارد در دوره نامزدی حداقل ۱۵۰ ساعت گفت‌وگوی حضوری داشته باشند و با افکار و احساسات یکدیگر آشنا شوند اما متاسفانه در آشنایی‌هایی که به این طریق به وجود می‌آید افراد نسبت به هم شناخت واقعی ندارند و فقط حس و هیجان متقابل است که آنها را به سمت یکدیگر می‌کشد. اگر این افراد در یک برخورد نتوانند هیجانات خود را کنترل کنند قطعا اگر در زندگی زناشویی هم دچار مشکل شوند احتمال اینکه بتوانند مدیریت هیجانی و احساسی را داشته باشند خیلی کم است. کما اینکه در این پرونده هم می‌بینیم دختر و پسر خیلی زود با هم در خیابان آشنا شدند، خیلی زود ازدواج کردند و خیلی زود هم جنایت اتفاق افتاد. این اتفاقات نشان می‌دهد متهم، توانایی مدیریت هیجان و احساسات خود را از بدو ورود به این ارتباط نداشت. این فرد در توانایی حل مساله که از مهارت‌های زندگی است نیز مشکل داشت و این باعث شد هنگام بروز مشکل از قوه قهریه استفاده و صورت مساله را پاک کند. در این بین خانواده‌ها نقش حساسی دارند گاه دختر و پسری که به این شکل با هم آشنا می‌شوند، برای ازدواج فشار زیادی را به خانواده‌ها وارد می‌کنند. در این شرایط به خانواده‌ها توصیه می‌شود اجازه بدهند دو جوان بیشتر باهم آشنا شوند یعنی با ازدواج آنها مخالفت نکنند و فرصت آشنایی را در شرایطی فراهم کنند که خودشان هم نظارت داشته باشند. همچنین لازم است به جوانان توصیه شود روی احساسات‌شان کار کنند و مدیریت هیجانات را یاد بگیرند. به دلیل اینکه وقتی افراد با یک نگاه عاشق شوند در واقع نشان‌دهنده عدم کنترل روی احساسات و عواطف است و همیشه دیده‌ایم این نوع ازدواج‌ها و حتی دوستی‌ها می‌تواند عواقب بدی داشته باشد. ما در مورد رابطه دختر و پسر در جامعه برای آشنایی قبل از ازدواج خیلی کارنکرده‌ایم. حال آنکه سازمان‌ها و نهادهایی که متولی رفاه روانی و اجتماعی جامعه هستند، صداوسیما، شهرداری، معاونت پیشگیری بهزیستی و سازمان ملی جوانان که به تازگی در قالب وزارتخانه مشغول به کار است، باید در این مورد بیشتر کار کنند. ما باید جوانان‌مان را از لحاظ تاب‌آوری قوی کنیم تا آستانه تحمل آنان را بالا ببریم، قدرت تصمیم‌گیری‌شان را افزایش و توانایی حل مساله را به آنها یاد بدهیم. سریع تصمیم گرفتن و سریع صورت مساله را پاک کردن یک برخورد کاملا هیجانی است و متهمی که همسرش را بعد از ۷۵ روز به قتل رسانده، قطعا دچار اختلال شخصیت و اختلال پرخاشگری فراگیر است، اگر چنین نبود وقتی می‌دید نمی‌تواند با همسرش زندگی کند می‌توانست از او جدا شود. در نهایت باید گفت مشخص است این متهم اختلال داشته و توانایی برخورد با مسایل خودش را نداشته است، اما نکته‌ای که باعث تاسف و تعجب است این است که خانواده‌ها هم در معیارهای انتخاب خودشان دقت لازم را نداشته‌اند.

بریده اخبار

- سارقی که حین ربودن اموال، مالباخته را با ضربات متعدد مشت از پای درآورده بود دستگیر شد.
- سه زورگیر که مردی را به زور وادار به امضای قولنامه فروش خودرواش کرده بودند در اراک بازداشت شدند.
- اعضای یک خانواده سه نفره در پی گازگرفتگی در خانه‌شان در خیابان کارون تهران جان باختند.
- مرگ چهار نفر و مجروح شدن ۱۴ مسافر نتیجه واژگونی صبح دیروز اتوبوس بین شهری در محور دیهوک کرمان بود.
- باند کلاهبرداری حرفه‌ای که از داخل یکی از زندان‌های کرج طی تماس تلفنی با شهروندان استان‌های مختلف از طریق عملیات بانکی کارت به کارت اقدام به کلاهبرداری میلیونی می‌کردند شناسایی شد.

به آینده خود بیاندیشید.
در طرح توسعه رستورانهای لئون همراه باشید.
رستورانهای لئون جهت تکمیل پرسنل خود در شعبه فرشته استخدام می نماید.
- سرآشپز فرنسکی کار
- کمک سرآشپز فرنسکی کار
- مهماندار مسلط به زبانهای خارجی
- مهماندار ساده
- کارگر ساده
تلفن: ۸۸۹۰۴۶۲۵